

بررسی حق الزحمه‌ی حسابرسی و اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سید علی واعظ^۱
بابک عابدی صدقیانی^۲
وحید خواجه‌جویی^۳

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. دوره‌ی زمانی مورد بررسی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ و نمونه‌ی انتخابی شامل ۳۵ شرکت خانوادگی و ۶۴ شرکت غیرخانوادگی است. برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش از روش‌های پنل معمولی و پنل لاجیت استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که تفاوت معناداری در مبلغ حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی وجود ندارد. همچنین بین درصد مالکیت خانوادگی با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد. اما نتایج نشان داد که شرکت‌های خانوادگی در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی، به احتمال کمتری از سازمان حسابرسی استفاده می‌کنند. همچنین نتایج بیان کرد که در شرکت‌های خانوادگی، با افزایش درصد مالکیت خانوادگی، احتمال انتخاب سازمان حسابرسی کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: شرکت‌های خانوادگی، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی.

۱

^۱استادیار گروه حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز

^۲مریی گروه حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شهیدچمران اهواز vkhajooei@yahoo.com

(مقدمه

طی سال‌های گذشته تحقیقات زیادی در مورد عوامل موثر بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی انجام شده است. تحقیقات کمی اثر تمرکز مالکیت به ویژه کنترل و مالکیت خانوادگی را بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و همچنین انتخاب حسابرس بررسی کرده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهند که دو دیدگاه در زمینه تاثیر کنترل و مالکیت خانوادگی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و انتخاب حسابرس وجود دارد. تئوری نمایندگی بیان می‌کند که شرکت‌های خانوادگی ممکن است مشکلات نمایندگی را تقلیل یا تشدید کنند (خان و سوبرامانیام^۴، ۲۰۱۲). طبق این تئوری، از یک سو، انگیزه‌هایی برای شرکت‌های خانوادگی برای حداکثر کردن منافع شخصی و همچنین تمایل آنها برای تاثیرگذاری در فرآیند گزارشگری مالی وجود دارد و بنابراین به احتمال زیاد منجر به افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌شود. در نتیجه، افزایش هزینه‌های نمایندگی مستلزم ارزیابی ریسک و تلاش‌های حسابرسی بالا و در نتیجه حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بالاتر می‌شود. در مقابل، مالکیت خانواده همچنین می‌تواند به منظور بهبود نظارت داخلی و کاهش تضاد منافع بین مدیر-مالک به نظر برسد و بنابراین منجر به کاهش ارزیابی ریسک حسابرسی و همچنین کاهش حق‌الزحمه‌ی حسابرسی می‌شود (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲).

همچنین سهامداران خانوادگی از دو طریق ممکن است بر انتخاب حسابرس شرکت اثر بگذارند. بر اساس تئوری نمایندگی، تقاضا برای خدمات حسابرسی با کیفیت بالا، رابطه‌ی مستقیمی با افزایش هزینه‌های نمایندگی دارد (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲). دی آنجلو^۵ (۱۹۸۱)، معتقد است که موسسه‌های بزرگ حسابرسی، کیفیت حسابرسی بهتری را فراهم می‌کند، چون که آنها شهرت و ریسک قانونی بیشتری دارند. چریسمن، چو و لیتز^۶ (۲۰۰۴)، اظهار می‌کنند که شرکت‌ها با کنترل خانوادگی، هزینه‌های نمایندگی پایین‌تری دارند. این نتایج آشکار می‌کند که شرکت‌های خانوادگی، تقاضای پایین‌تری برای کیفیت حسابرسی دارند (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲). بنابراین به احتمال کمتری از موسسه‌های بزرگ حسابرسی استفاده می‌کنند. مطالعات دیگر بیان می‌کنند که هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های خانوادگی بالاتر است (به عنوان مثال، مورک و یانگ^۷، ۲۰۰۳). بر اساس این پژوهش‌ها نتیجه گرفته می‌شود که تقاضا برای کیفیت حسابرسی و همچنین احتمال انتخاب موسسه‌های بزرگ حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی بالاتر می‌باشد (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲).

هدف این پژوهش، بررسی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و انتخاب حسابرس در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است تا مشخص نماید آیا حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی به گونه‌ای با اهمیت، متفاوت است یا خیر؟ این پژوهش سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر گروه‌های ذینفع را در جریان میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و همچنین تقاضا برای کیفیت حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی قرار می‌دهد.

در ادامه‌ی مقاله، ابتدا مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش مرور می‌شود. سپس روش پژوهش مطرح می‌شود. آن‌گاه یافته‌های پژوهش ارائه می‌گردد. در ادامه، یافته‌های آزمون فرضیه‌ها، تجزیه و تحلیل و تفسیر می‌شود. بخش نهایی نیز به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها و محدودیت‌ها اختصاص می‌یابد.

(۲ بیان مسئله

امروزه شرکت‌های خانوادگی بخش عمده‌ای از کل شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند. طبق تحقیقاتی که دانشمندان انجام داده‌اند، کسب و کارهای که به نوعی مالکیت یا مدیریت خانوادگی دارند، حدود ۶۵ تا ۹۰ درصد از کل کسب و کارهای جهان را تشکیل می‌دهند (جرسیک، داویس، ام‌سی کولوم و لنسبرگ^۸، ۱۹۹۷). به همین منظور در بسیاری از کشورها، شاخص‌های متعددی برای تعریف اینگونه شرکت‌ها ارائه گردیده است و به دلیل اهمیت این شرکت‌ها پژوهش‌های زیادی در رابطه با آنها انجام شده است. سهامداران، سرمایه‌گذاران بالقوه، اعتباردهندگان و سایر گروه‌ها علاقه‌مند هستند اطلاعاتی درباره‌ی

-
- Khan & Subramaniam
 - DeAngelo
 - Chrisman, Chua & Litz
 - Morck & Yeung
 - Gersick, Davis, McCollom & Lansberg,

شرکت‌های مورد نظر خود کسب کنند. با توجه به مطالب گفته شده و وجود درصد قابل توجهی از شرکت‌های خانوادگی در بورس اوراق بهادار تهران، لازم است که جنبه‌هایی از این‌گونه شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. از آن‌جا که این‌گونه شرکت‌ها در ایران به ندرت مورد بررسی قرار گرفته‌اند و اطلاعات چندانی از آنها در دست نیست، به نظر می‌رسد انجام پژوهش‌هایی در این باره ضروری باشد.

بر اساس دیدگاه‌های ذکر شده در مقدمه، این نیاز وجود دارد که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی با هم مقایسه شود. بر اساس این پژوهش، منشأ اصلی تفاوت در حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی، تفاوت هزینه‌های نمایندگی در این شرکت‌ها می‌باشد که این به دلیل وجود سهامداران خانوادگی است. همانگونه که تحقیقات گذشته نشان داده‌اند، یکی از عوامل موثر بر تصمیمات سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر گروه‌های ذینفع، هزینه‌های نمایندگی شرکت‌ها می‌باشد (به عنوان مثال، سجادی، حاجی‌زاده و نیک‌کار، ۱۳۹۱). بنابراین نتایج این پژوهش می‌تواند بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و سایر گروه‌های ذینفع موثر واقع شود.

مطالعه‌ی ویژگی‌های شرکت‌های خانوادگی می‌تواند به ما کمک کند تا به درک بهتری از کارایی اقتصادی مکانیسم‌های مختلف حاکمیت شرکتی برسیم (شلیفر و ویشنی^۱، ۱۹۹۷). افزون بر این مطالعات این‌گونه شرکت‌ها به طور بالقوه می‌تواند بینشی در مورد شرکت‌های کارآفرینی که برای رشد اقتصاد، حیاتی در نظر گرفته شده‌اند، فراهم کند (میثودی، هوی و روبین^۲، ۲۰۱۱).

۳) مبانی نظری پژوهش

اگرچه ادبیات مربوط به انتخاب حسابرس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی به خوبی توسعه یافته است، اما روابط بین شرکت‌های خانوادگی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و همچنین انتخاب حسابرس کمتر بررسی شده است.

تئوری نمایندگی بیان می‌کند که شرکت‌های خانوادگی ممکن است مشکلات نمایندگی را تقلیل یا تشدید کنند (خان و سویرامانیام، ۲۰۱۲). ثابت شده است که زمانی که بین مالکیت و کنترل اختلاف وجود دارد، تقاضا برای حسابرسی مستقل افزایش می‌یابد (ابدل خلیک^۱، ۱۹۹۳). دیمستز و لهن^۲ (۱۹۸۵)، شواهدی پیدا کردند که سهامداران کنترل‌کننده، انگیزه‌های بیشتری برای تقلیل مسائل نمایندگی و افزایش ارزش شرکت دارند. بر اساس طرحی از تئوری نمایندگی، ابدل خلیک (۱۹۹۳)، اعتقاد دارد که یک از پیامدهای اقتصادی نادیده گرفته شدن رفتار نماینده، تمایل به افزایش کنترل داخلی و سایر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی است. با استفاده از استدلال مشابه، چن، ازامل و گوئیلام^۳ (۱۹۹۳)، بیان نموده‌اند که میزان تقاضا برای خدمات حسابرسی تابعی از تمرکز مالکیت شرکت می‌باشد که شرکت‌ها با ساختار مالکیت متفاوت، نیاز به حسابرسی بیشتر و با کیفیت بالاتر دارند.

از یک طرف شرکت‌های خانوادگی کارایی کمتری دارند، زیرا تمرکز مالکیت، انگیزه‌هایی برای سهامداران کنترل‌کننده، برای از تملک درآوردن ثروت از سایر سهامداران ایجاد می‌کند (مورک، شلیفر و ویشنی^۴، ۱۹۸۸). اعضای خانواده، معمولاً جایگاه‌های مهمی از تیم مدیریتی و هیئت مدیره شرکت دارند. بنابراین، این شرکت‌ها ممکن است حاکمیت شرکتی ضعیف‌تری داشته باشند، چراکه نظارت هیئت مدیره، بی‌فایده می‌باشد (خان و سویرامانیام، ۲۰۱۲). همچنین گومز-میجا، نونز-نیکل و گاتیرز^۵ (۲۰۰۱) بیان داشته‌اند که کنترل خانوادگی ممکن است مانع از افشای اطلاعات به سایر سهامداران شود. به عبارت دیگر اعضای خانواده می‌توانند بر فرآیند گزارشگری مالی اثر بگذارند (ونگ^۶، ۲۰۰۶). چنین شرایطی ممکن است به

-
- Shleifer & Vishny
 - Mithu Dey, Hoi & Robin
 - Abdel Khalik
 - Demsetz & Lehn
 - Chan, Ezzamel & Gwilliam
 - Morck, Shleifer & Vishny
 - Gomez-Mejia, Nunez-Nickel & Gutierrez
 - Wang

طور کلی ارزیابی ریسک حسابرسی با حسابرسان را در خصوص واحد مورد رسیدگی افزایش دهد و از دیدگاه طرف عرضه حسابرسان ممکن است به نوبه‌ی خود تلاش‌های حسابرسی بیشتری برای حداقل کردن ریسک حسابرسی به کار گیرند که این حق‌الزحمه‌ی حسابرسی را افزایش می‌دهد. همچنین می‌تواند استدلال شود به دلیل وجود اعضای خانواده و سایر ذینفعان از قبیل سهامداران غیرخانوادگی و دارندگان اوراق قرضه، ممکن است هزینه‌های نمایندگی بالاتری به وجود آید و از این‌رو اعضای خانواده ممکن است متقاضی حسابرس مستقل برای کاستن هزینه‌ی نمایندگی شوند (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲).

از سوی دیگر تمرکز بر بقا بلند مدت و شهرت شرکت خانوادگی و همچنین روابط شخصی با اعتباردهندگان و سایر سهامداران ممکن است هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد، چراکه حضور پایدار و بلندمدت اعضای خانواده در شرکت و اراده‌ی آنها به باقی نگه داشتن نام خانواده، ممکن است منجر به این شود که شرکت‌های خانوادگی رابطه‌ی خوب و بلند مدتی با سهامداران غیرخانوادگی و اعتباردهندگان داشته باشند (اندرسون و ریب^{۱۷}، ۲۰۰۳). این اشاره به این دارد که اعضای خانواده، کمتر احتمال دارد که بصورت فرصت‌طلبانه رفتار کنند و در فرآیند گزارشگری مالی اثر بگذارند (ونگ، ۲۰۰۶). از دیدگاه طرف تقاضا انتظار می‌رود که شرکت‌ها با سهامداران کنترل کننده، به ویژه کنترل خانوادگی نیاز به حسابرسی کمتری داشته باشند که این مرتبط با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی پایین است. همچنین می‌تواند استدلال شود که بودن اعضای خانواده در هیئت مدیره و تیم مدیریتی و همچنین شهرت شرکت می‌تواند اثر مثبت بر شرکت داشته باشد (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲). چنین شرایطی ممکن است ارزیابی ریسک حسابرسی با حسابرسان در خصوص واحد مورد رسیدگی را کاهش دهد و از دیدگاه طرف عرضه حسابرسان ممکن است به نوبه‌ی خود تلاش‌های حسابرسی کمتری را برای حداقل کردن ریسک حسابرسی به کار گیرند که نتیجه‌ی این حق‌الزحمه‌ی حسابرسی پایین‌تر می‌باشد (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲). هو و کنگ^{۱۸} (۲۰۱۰) نشان دادند که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی پایین در شرکت‌های خانوادگی با تقاضای پایین آنها برای خدمات حسابرسی می‌باشد که این به علت شدت کمتر نوع اول مشکلات نمایندگی (بین مالکان و مدیران) و همچنین شدت بیشتر نوع دوم این مشکلات (بین سهامداران کنترل کننده و غیرکنترل کننده) در این شرکت‌ها می‌باشد. طبق نتایج خان و سوبرامانیام (۲۰۱۲)، شرکت‌های خانوادگی استرالیایی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بیشتری نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی می‌پردازند. همچنین مالکیت خانوادگی بالاتر با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بیشتر مرتبط است. گول، تسوی و چن^{۱۹} (۱۹۹۷)، یک ارتباط منفی بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و مالکیت خانوادگی در شرکت‌های هنگ‌کنگ گزارش کردند.

همچنین سهامداران خانوادگی از دو طریق ممکن است بر انتخاب حسابرس شرکت اثر بگذارند (هو و کنگ، ۲۰۱۰). بر اساس تئوری نمایندگی، تقاضا برای کیفیت حسابرسی با هزینه‌های نمایندگی، رابطه‌ی مستقیمی دارد. (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲). فرانسیس^{۲۰} (۲۰۰۴)، با بررسی ادبیات حسابرسی بیان می‌دارد که حسابرسان با کیفیت بالا (که معمولاً موسسه‌های بزرگ حسابرسی را شامل می‌شوند) در زمینه‌هایی که پتانسیل بالایی برای هزینه‌ی نمایندگی (و در نتیجه نیاز به نظارت بیشتر) و یا سطح بالایی از عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد، استفاده می‌شوند. این نشان می‌دهد که شرکت‌های خانوادگی می‌توانند از حسابرسان با کیفیت بالا برای مشخص کردن اعتبار افشاهای حسابداری و اطمینان از کیفیت بالای افشا، استفاده کنند. علاوه بر این طبق استدلال گودهامی، پیتمن و سفر^{۲۱} (۲۰۰۹)، استفاده از حسابرسان با کیفیت بالا ممکن است سلب مالکیت توسط سهامداران اصلی را محدود کند. از دیدگاه حسابرسان، اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی یکی از ویژگی‌هایی است که بر کیفیت حسابرسی اثر دارد. دی‌آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر، خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر ارائه می‌کنند، زیرا علاقه‌مند هستند که شهرت بهتری در بازار کار به دست آورند و به این دلیل که تعداد مشتریان آنان زیاد است، نگران از دست دادن مشتریان خود نیستند. تصور بر این است که چنین مؤسساتی به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون‌های مختلف، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند. اگر چه، برخی از تحقیقات نشان دادند که اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی وجود گزارش حسابرسی با کیفیت را تضمین نمی‌کند

-
- Anderson & Reeb
 - Ho & Kang
 - Gul, Tsui & Chen
 - Francis
 - Guedhami, Pittman & Saffar

(کراسول، فرانسیس و تیلور^{۲۲}، ۱۹۹۵). اما، نتایج اغلب تحقیقات نشان می‌دهد که بازار، اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی را به عنوان شاخص کیفیت حسابرسی مدنظر قرار می‌دهد (تنو و وانگ^{۲۳}، ۱۹۹۳). کاری، سیمنت و تانوسکی^{۲۴} (۲۰۰۰)، تقاضا برای برای کیفیت حسابرسی را در شرکت‌های خانوادگی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که تقاضا برای حسابرسی داوطلبانه با افزایش هزینه‌های نمایندگی افزایش می‌یابد. بحث شده است که مالکیت خانوادگی ممکن است نظارت داخلی را بهبود ببخشد و تضاد منافع در ترکیب مدیر-مالک را کاهش دهد (خان و سویرامانیام، ۲۰۱۲). این اشاره دارد که شرکت‌های خانوادگی به احتمال کمتری از موسسه‌های بزرگ حسابرسی به علت کاهش هزینه‌های نمایندگی استفاده می‌کنند (خان و سویرامانیام، ۲۰۱۲). همچنین استدلال شده است که انگیزه‌های شرکت‌های خانوادگی برای بدست آوردن منافع شخصی همچون تمایل طبیعی آنها به تاثیرگذاری در فرآیند گزارشگری مالی، بالا می‌باشد که این هزینه‌های نمایندگی را افزایش می‌دهد (اندرسون و ریب، ۲۰۰۳). بنابراین، شرکت‌های خانوادگی به احتمال بیشتری، موسسه‌های بزرگ حسابرسی را برای اطمینان از کیفیت حسابرسی بالا به کار می‌گیرند (خان و سویرامانیام، ۲۰۱۲). نیسکانن، کارجلاینن و نیسکانن^{۲۵} (۲۰۱۰)، با استفاده از یک نمونه از شرکت‌های خصوصی کوچک در فنلاند، نشان دادند که با افزایش مالکیت خانوادگی، احتمال به-کارگیری موسسه‌های بزرگ حسابرسی کاهش می‌یابد. گول، گودهامی، لنوکس و پیتمن^{۲۶} (۲۰۰۹)، گزارش کردند که احتمال کمی برای استفاده از موسسه‌های بزرگ حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی در غرب اروپا وجود دارد. میثودی، هوی و روبین (۲۰۱۱)، بیان می‌دارند که شرکت‌های خانوادگی ممکن است برای کاهش هزینه‌های حسابرسی از موسسه‌های حسابرسی با کیفیت پایین استفاده کنند. کنگ (۲۰۱۰) نشان داد که شرکت‌های خانوادگی کمتر بدنبال کیفیت حسابرسی هستند که این مخالف با نتایج فن و ونگ^{۲۷} (۲۰۰۵) در محیط اقتصادی شرق آسیا می‌باشد.

در این پژوهش ما بررسی می‌کنیم که چگونه کنترل و مالکیت خانوادگی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و انتخاب حسابرسی اثر می‌گذارد. همچنین با توجه ادبیات موضوع، اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی عامل مهمی در تعیین کیفیت حسابرسی می‌باشد. بر این اساس در این پژوهش، سازمان حسابرسی که از لحاظ اندازه بزرگترین سازمان می‌باشد، به عنوان حسابرسی با کیفیت بالا و بقیه‌ی موسسه‌های حسابرسی به عنوان حسابرسی با کیفیت پایین در نظر گرفته می‌شود.

۴ پیشینه‌ی پژوهش

۴-۱ پژوهش‌های خارجی

خان و سویرامانیام در پژوهش خود در سال ۲۰۱۲، رابطه‌ی مالکیت خانوادگی را با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و انتخاب حسابرسی در شرکت‌های استرالیایی بررسی کردند. طبق نتایج آنها شرکت‌های خانوادگی حق‌الزحمه‌ی بیشتری نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی می‌پردازند. همچنین درصد مالکیت خانوادگی با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بالاتر مرتبط است. نتایج آنها همچنین آشکار کرد که در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی، شرکت‌های خانوادگی به احتمال بیشتری سازمان‌های بزرگ حسابرسی را انتخاب می‌کنند و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بیشتری به موسسه‌های بزرگ حسابرسی نسبت به سایر موسسات حسابرسی می‌پردازند.

کنگ (۲۰۱۲)، در کار پژوهشی خود نشان داد که چگونه و چطور ساختار مالکیت شرکت‌های خانوادگی و مسائل نمایندگی، بر انتخاب حسابرسان متخصص صنعت و سطح حق‌الزحمه‌ی حسابرسی اثر می‌گذارد. نتایج او نشان داد که شرکت‌های خانوادگی به احتمال بیشتری حسابرسان متخصص را انتخاب می‌کنند و متحمل سطح پایین‌تری از هزینه‌ی حسابرسی نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی می‌شوند.

-
- Craswell, Francis & Taylor
 - Teoh & Wong
 - Cary, Simnett & Tanewski
 - Niskanen, Karjalainen, and Niskanen
 - Ghoul, Guedhami, Lennox, Pittman
 - Fan & Wong

جول و خان در پژوهش خود در سال ۲۰۱۱، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی را در ۵۰۰ شرکت استرالیایی بررسی کردند. نمونه‌ی آنها شامل شرکت‌ها با کنترل خانوادگی و خارجی بود. آنها به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌های خانوادگی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی پایین‌تری نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی می‌پردازند. همچنین نتایج آنها آشکار کرد که هر دوی شرکت‌ها با مالکیت خانوادگی و خارجی، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بالاتری به سازمان‌های بزرگ حسابرسی می‌پردازند. میثودی، هوی و روبین (۲۰۱۱)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های خانوادگی به احتمال کمتری، موسسه‌های بزرگ حسابرسی را به عنوان حسابرس خود انتخاب می‌کنند.

رحمان خان، محبوب‌حسین و سیدی‌کوی^{۲۹} (۲۰۱۱)، در پژوهش خود، اثر تمرکز مالکیت را بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در اقتصاد نوظهور بنگلادش بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی رابطه‌ی منفی معناداری با مالکیت خانوادگی و سرمایه‌گذاران نهادی دارد.

شا^{۳۰} در پژوهش خود در سال ۲۰۱۰ با عنوان انتخاب حسابرس، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و حاکمیت داخلی در شرکت‌های خانوادگی، با بررسی اثر مالکیت خانوادگی بر انتخاب حسابرس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی نتیجه گرفت که در صورت وجود حاکمیت داخلی قوی، مالکان به احتمال بیشتری حسابرسان متخصص را انتخاب می‌کنند. رابطه مثبت بین مالکیت خانوادگی و انتخاب حسابرس متخصص با مکانیزم‌های داخلی قوی، قوی‌تر می‌شود و رابطه‌ی منفی بین مالکیت خانوادگی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در صورت وجود حاکمیت داخلی قوی از بین می‌رود.

هو و کنگ (۲۰۱۰)، در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که به طور متوسط شرکت‌های خانوادگی به احتمال کمتری سازمان‌های بزرگ حسابرسی را به عنوان حسابرس انتخاب می‌کنند. همچنین در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی، شرکت‌های خانوادگی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی کمتری می‌پردازند. دی‌آنجلو (۱۹۸۱) استدلال می‌کند که حسابرسان موسسه‌های بزرگ حسابرسی، کیفیت حسابرسی بهتری نسبت به سایر حسابرسان فراهم می‌کنند.

۴-۲) پژوهش‌های داخلی

هرچند که در رابطه با انتخاب حسابرس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی پژوهش‌های زیادی در ایران انجام شده است، اما در رابطه با شرکت‌های خانوادگی پژوهش‌های کمی انجام شده است.

نمازی و محمدی در پژوهش خود در سال ۱۳۸۹ کیفیت سود و بازده را در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند. نمونه‌ی آنها شامل ۳۹ شرکت خانوادگی و ۷۶ شرکت غیرخانوادگی بود. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که بین کیفیت سود مبتنی بر نسبت وجه نقد عملیاتی با سود خالص و همچنین نسبت انحراف معیار سود عملیاتی به انحراف معیار وجه نقد عملیاتی در شرکت‌های خانوادگی و شرکت‌های غیرخانوادگی، تفاوت معناداری وجود ندارد.

مقیم‌ی و امیری (۱۳۸۹)، عوامل موثر بر رشد و توسعه‌ی شرکت‌های خانوادگی استان تهران را بررسی کردند. پژوهش آنها در دو صنعت نساجی و نفت بود. نتایج آنها نشان داد که رشد و توسعه شرکت‌ها متعادل و در حد میانگین جامعه است و این رشد و توسعه با متغیرهای ریسک‌پذیری مالک، گرایش به نوآوری، مهارت‌های مدیریتی، تمایل اعضای خانواده برای پیوستن به کسب و کار، داشتن چشم‌انداز کاری در خانواده، محیط سیاسی-قانونی، محیط فرهنگی-اجتماعی، محیط اقتصادی-فنی، رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. در حالی که بین حاکمیت و کنترل خانواده و رشد و توسعه کسب و کارهای خانوادگی در این دو صنعت ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

- Johl & Khan
- Rahman khan, Mahboob Hossain & Siddiqui
- Shaohua

قبدیان، عطاران و فروتن (۲۰۱۲)، در پژوهش خود مدیریت سود را در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی بررسی کردند. نمونه‌ی آنها شامل ۳۱ شرکت خانوادگی بود. نتایج آنها نشان می‌دهد رابطه‌ی معنی‌داری بین مدیریت سود و ساختار مالکیت شرکت وجود دارد که به طور متوسط شرکت‌های غیرخانوادگی مدیریت سود بیشتری نسبت به شرکت‌های خانوادگی دارند. رحیمیان، رضاپور و اختری (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌های دارای سطوح بالاتر از مالکیت نهادی، از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردار می‌باشند، این در حالی است که تمرکز مالکیت نهادی موجب کاهش در کیفیت حسابرسی می‌گردد. در پژوهش آنها، اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی یکی از شاخص‌های کیفیت حسابرسی محسوب شده است.

۵) روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع توصیفی و بر اساس ماهیت و روش از نوع همبستگی است. با توجه به اینکه این پژوهش می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران مورد استفاده قرار گیرد، نوع پژوهش کاربردی محسوب می‌شود. برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش از روش پنل معمولی و پنل لاجیت استفاده می‌شود.

۵-۱) سوالات پژوهش

با توجه به مسائل مطرح شده، سوالات اصلی این پژوهش به شرح زیر می‌باشند:
آیا حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شرکت‌های خانوادگی متفاوت از حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شرکت‌های غیرخانوادگی است؟
آیا اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی شرکت‌های خانوادگی متفاوت از اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی شرکت‌های غیرخانوادگی است؟

۵-۲) فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شرکت‌های خانوادگی تفاوت معناداری با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شرکت‌های غیرخانوادگی دارد.

فرضیه دوم: رابطه‌ی معناداری بین درصد مالکیت خانوادگی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی وجود دارد.

فرضیه سوم: اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی تفاوت معناداری با اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی در شرکت‌های غیرخانوادگی دارد.

فرضیه چهارم: رابطه‌ی معناداری بین درصد مالکیت خانوادگی و اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی وجود دارد.

۵-۳) انتخاب شرکت‌ها و جمع‌آوری اطلاعات آنان

برای انجام این پژوهش، ابتدا لازم است تعریفی از شرکت‌های خانوادگی، ارائه شود. چو، چریسمن و شرما^{۳۱} در سال ۱۹۹۹، بیش از ۲۵۰ مقاله درباره شرکت‌های خانوادگی را با هدف ارائه تعریفی مشخص از شرکت‌های خانوادگی، مورد بررسی قرار دادند و عنوان کردند که تعریف مشخص و کاملاً واضحی از شرکت خانوادگی وجود ندارد و هر پژوهشگری در مطالعه خود، تعریفی از افراد پیشین ارائه کرده است. شرکت‌های خانوادگی را از جنبه‌های گوناگون، می‌توان تعریف کرد. عضویت اعضای خانواده در هیئت مدیره، درصد مالکیت سهم از سوی اعضای خانواده و کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه در شرکت، از عواملی است که شرکت‌های خانوادگی به وسیله‌ی آن تعریف می‌شود. عضویت در هیات مدیره و درصد مالکیت سهام در بیشتر تعریف‌هایی که از شرکت‌های خانوادگی ارائه شده، بیان شده است. در مورد درصد مالکیت سهام، نظرات مختلفی ارائه گردیده است. در تعریف‌های ارائه شده، مالکیت حداقل ۵ درصد و حداکثر بیش از ۵۰ درصد سهام را از سوی اعضای خانواده، به عنوان یک شرط ذکر کرده‌اند.

اهرهاردت و نواک^{۳۲} (۲۰۰۳) بالاترین درصد مالکیت را در تعریف شرکت‌ها ذکر می‌کنند. از نظر آنها شرکت‌هایی به عنوان شرکت‌های خانوادگی تلقی می‌شوند که یک یا چند نفر از یک یا دو خانواده، صاحب حداقل پنجاه درصد از حقوق صاحبان سهام باشند.

اندرسون و ریب (۲۰۰۳)، میزان تملک هجده درصد را شرط خانوادگی محسوب شدن شرکت در نظر می‌گیرند. همچنین آنان عقیده دارند که یکی از معیارهای شرکت‌های خانوادگی، وجود اعضای خانواده در رده‌های مدیریتی شرکت است. کمترین درصد مالکیت سهام از سوی اعضای خانواده به وسیله ویلاونگا و آمیت^{۳۳} (۲۰۰۶) ارائه شده است. آنها شرکت‌های خانوادگی را این‌گونه تعریف می‌کنند: شرکتی که مؤسس یا یکی از اعضای نسبی یا سببی خانواده، عضو هیئت مدیره، مدیر اجرایی یا مالک حداقل ۵ درصد از سهام شرکت، به صورت فردی یا گروهی باشند.

چاکرابارتی^{۳۴} (۲۰۰۹) اعتقاد دارد برای این که یک شرکت را خانوادگی به حساب آوریم، تملک حداقل بیست درصد سهام ضروری است، در تعریف ارائه شده از وی، عضویت در هیئت مدیره به عنوان یک شرط ذکر نشده است.

با توجه به تعریف‌هایی که ارائه شد، اکنون ما با توجه به قوانین و مقررات و شرایط ایران یک تعریف از شرکت‌های خانوادگی را ارائه می‌نماییم. تعاریف بالا درصدهای متفاوتی برای مالکیت در شرکت‌های خانوادگی بیان کردند. برای این که یک درصد معین برای ایران ذکر شود، ابتدا باید به این نکته توجه کرد که در ایران، سهامداران در چه صورت بر یک شرکت نفوذی قابل ملاحظه دارند. آنگاه می‌توان با توجه به این نفوذ قابل ملاحظه شرکت خانوادگی را تعریف کرد. با توجه به بند ۸ استاندارد شماره ۲۰ کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ایران، دارا بودن حداقل ۲۰ درصد از سهام شرکت از سوی اعضای خانواده، یکی از شرایط شرکت‌های خانوادگی بیان می‌شود. افزون بر آن، عضویت اعضای خانواده در هیات مدیره شرکت نیز معیار دیگری است که برای شرکت‌های خانوادگی، در نظر گرفته می‌شود.

همچنین نمازی و محمدی (۱۳۸۹)، در پژوهش خود با عنوان بررسی کیفیت سود و بازده در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌های خانوادگی را به صورت زیر تعریف کردند:

شرکت‌هایی خانوادگی تلقی می‌شوند که یا حداقل بیست درصد از سهام آنان به صورت فردی یا گروهی، در دست اعضای خانواده باشد و یا حداقل یک از اعضای خانواده نسبی یا سببی خانواده عضو هیئت مدیره و یا مدیر اجرایی بوده و به طور فعالی در هیئت مدیره شرکت مشارکت داشته باشند و حداقل دو نسل از خانواده، در کنترل شرکت نقش داشته باشند.

نمازی و اکبری (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود با عنوان بررسی عملکرد و ساختار سرمایه شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌هایی را خانوادگی در نظر گرفتند که حداقل حائز یکی از معیارهای زیر باشد:

- یک یا چند نفر از اعضای یک یا دو خانواده، مالک حداقل بیست درصد از سهام شرکت باشند؛ مگر این که با وجود تملک حداقل بیست درصد سهام، نفوذ قابل ملاحظه یا کنترل بر شرکت را نداشته باشند؛
- حداقل پنجاه درصد از اعضای هیأت مدیره، از اعضای یک خانواده باشند؛ و یا
- به نحوی، نفوذ قابل ملاحظه و یا کنترل بر شرکت توسط اعضای خانواده، ثابت شود، حتی اگر مالکیت اعضای خانواده کمتر از ۲۰ درصد باشد.

با توجه به اینکه اکثر تعاریف در ادبیات مربوط به شرکت‌های خانوادگی، درصد سهام متعلق به خانواده‌ی اول را مبنای انتخاب شرکت به عنوان خانوادگی در نظر گرفته‌اند، ما با استفاده از شروط ذکر شده در بالا، تعریف زیر را برای شرکت‌های خانوادگی در نظر می‌گیریم:

شرکتی به عنوان شرکت خانوادگی تلقی می‌شود که حداقل حائز یکی از معیارهای زیر باشد:

- یک یا چند نفر از اعضای یک خانواده، مالک حداقل بیست درصد از سهام شرکت باشند؛ مگر این که با وجود تملک حداقل بیست درصد سهام، نفوذ قابل ملاحظه یا کنترل بر شرکت را نداشته باشند؛

- حداقل پنجاه درصد از اعضای هیأت مدیره، از اعضای یک خانواده باشند؛
 - به نحوی، نفوذ قابل ملاحظه و یا کنترل بر شرکت توسط اعضای خانواده، ثابت شود، حتی اگر مالکیت اعضای خانواده کمتر از ۲۰ درصد باشد.
- شرکت‌های غیرخانوادگی نیز شرکت‌هایی هستند که هیچ یک از شرایط مربوط به شرکت‌های خانوادگی را نداشته باشند. برای بررسی شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی و تعیین نمونه‌ی مورد مطالعه، شرایط زیر برای انتخاب شرکت‌ها در نظر گرفته شد:

- شرکت‌هایی که از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران فعالیت داشته باشند.
 - به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره‌ی مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - شرکت‌ها طی قلمرو زمانی این پژوهش، تغییر فعالیت، توقف عملیات یا تغییر دوره‌ی مالی نداده باشند.
 - شرکت انتخابی جز شرکت‌های مالی، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها نباشد.
 - وضعیت آنها از نظر خانوادگی و غیرخانوادگی بودن مشخص باشد و
 - کلیه‌ی اطلاعات مورد نیاز آنها در دسترس باشد.
- شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران با توجه به تعریف شرکت‌های خانوادگی، بررسی شدند. از میان این شرکت‌ها، ۳۵ شرکت، دارای شرایط مربوط به شرکت‌های خانوادگی هستند و بقیه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس مالکیت غیرخانوادگی دارند. از میان شرکت‌های غیرخانوادگی نیز ۶۴ شرکت شرایط مزبور را دارند. در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها، از روش کتابخانه‌ای و از پایگاه‌های اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران استفاده شد. برای انجام این کار، با مراجعه به پایگاه‌های اطلاعاتی بورس، اطلاعات شرکت‌ها از نظر نوع مالکیت (خانوادگی یا غیرخانوادگی) و ارقام مربوط به متغیرهای دیگر استخراج گردید. برای بدست آوردن این اطلاعات از نرم‌افزارهای مالی بورس نیز استفاده شد.

۴-۵) مدل‌های پژوهش

در این پژوهش مطابق با پژوهش خان و سوبرامانیام (۲۰۱۲)، از دو مدل استفاده شده است. در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌های دوم و چهارم، از درصد مالکیت خانوادگی به عنوان متغیر مستقل استفاده شده است. برای آزمون این فرضیه‌ها، شرکت‌های خانوادگی بر اساس تعریف ارائه شده، به عنوان یک گروه در نظر گرفته شدند. آنگاه درصد مالکیت خانوادگی در هر یک از آنها، به عنوان متغیر مستقل، مورد استفاده قرار گرفت.

۱-۴-۵) مدل حق‌الزحمه‌ی حسابرسی

$$\text{Audit Fee} = \beta_0 + \beta_1(\text{Family Variables}) + \beta_2(\text{Control Variables})$$

از این مدل برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم استفاده می‌شود. Family Variables در این مدل نشان‌دهنده‌ی متغیرهای مستقل است. این متغیرها شامل کنترل خانوادگی و درصد مالکیت خانوادگی می‌باشند. Control Variables نیز نشان‌دهنده‌ی متغیرهای کنترل می‌باشد. روش مورد استفاده برای تخمین این مدل، پنل معمولی است.

۲-۴-۵) مدل اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی

$$\text{Big} = \beta_0 + \beta_1(\text{Family Variables}) + \beta_2(\text{Control Variables})$$

برای آزمون فرضیه‌ی سوم و چهارم از این مدل استفاده می‌شود. تعاریف Family Variables و Control Variables در این مدل، همانند تعاریف مدل بالا می‌باشد. از آنجا که متغیر وابسته در این مدل، مجازی است، بنابراین برای تخمین این مدل، از پنل لاجیت استفاده می‌شود.

۵-۵) تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

۱-۵-۵) متغیرهای وابسته‌ی پژوهش

متغیرهای وابسته در این پژوهش، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی (Audit Fee) و اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی (Big) می‌باشند. برای محاسبه‌ی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، از لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی استفاده شده است (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲). متغیر اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی نیز یک متغیر مجازی می‌باشد. در صورتی که سازمان حسابرسی، حسابرس مستقل باشد، این متغیر عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد (حساس‌یگانه و آذین‌فر، ۱۳۸۹).

۲-۵-۵) متغیرهای مستقل پژوهش

یکی از متغیرهای مستقل این پژوهش، کنترل خانوادگی (Family Contorol) است که یک متغیر دودویی می‌باشد. این متغیر برابر با ۱ است، اگر شرکت، خانوادگی باشد و در غیر اینصورت برابر با صفر می‌باشد (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲). متغیر دیگر، درصد مالکیت خانوادگی (Family Ownership) است. این متغیر درصد سهام متعلق به گروه خانواده را نشان می‌دهد (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲).

۳-۵-۵) متغیرهای کنترل

۱-۳-۵-۵) متغیرهای کنترل مدل حق‌الزحمه‌ی حسابرسی

مالکیت سهامداران نهادی غیرخانوادگی: این متغیر با درصد سهام متعلق به سهامداران عمده شرکت به غیر از اعضای خانواده بدست می‌آید. این متغیر، تاثیر مالکیت سایر گروه‌های سهامدار را خنثی می‌کند (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲).

نسبت موجودی: این نسبت از تقسیم موجودی به کل دارایی‌های شرکت بدست می‌آید.

نسبت مطالبات: این نسبت از تقسیم جمع کل حساب‌های دریافتنی و سایر حساب‌ها و اسناد دریافتنی به کل دارایی‌ها بدست می‌آید.

نسبت موجودی و مطالبات، معیارهایی برای پیچیدگی کار حسابرسی هستند (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲).

اندازه‌ی شرکت: لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها به عنوان این نسبت تعریف شده است. پژوهش‌های پیشین ذکر کرده‌اند که اندازه عامل مهمی در تعیین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی می‌باشد (احمد و گوپال^{۳۵}، ۲۰۰۵)

اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی: یک متغیر مجازی است و برابر با ۱ است، اگر حسابرس، سازمان حسابرسی باشد و در غیر اینصورت برابر با صفر می‌باشد. انتظار می‌رود که موسسات بزرگ حسابرسی، یک مبلغ اضافی برای کیفیت‌شان دریافت کنند (بیتی، گوداسر، پرات و استونسون^{۳۶}، ۲۰۰۱).

زیان: این متغیر نیز یک متغیر مجازی است که برابر با ۱ است، اگر شرکت یک زیان خالص قبل از ارقام غیر مترقبه داشته باشد و در غیر اینصورت برابر با صفر می‌باشد (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲).

اهرم مالی: نسبت بدهی‌های شرکت به دارایی‌های آن است (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲).

۲-۳-۵-۵) متغیرهای کنترل مدل اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی

این متغیرها مالکیت سهامداران نهادی غیرخانوادگی، نسبت موجودی، نسبت مطالبات، اندازه‌ی شرکت، اهرم مالی و نسبت سودآوری هستند.

سودآوری: جانسون و لیس^{۳۷} (۱۹۹۰)، به این نتیجه رسیدند که انتخاب حسابرس شرکت مرتبط با سودآوری‌اش می‌باشد. متغیر سودآوری از تقسیم سود خالص بعد از مالیات و قبل از ارقام غیرمترقبه به کل دارایی‌ها بدست می‌آید.

تعاریف بقیه‌ی متغیرهای کنترل این مدل همانند تعاریف بالا می‌باشد.

خان و سوبرامانیام، (۲۰۱۲) معتقداند که اهرم مالی ممکن است بر انتخاب حسابرس اثر بگذارد. متغیر اندازه‌ی شرکت، نسبت موجودی و نسبت مطالبات که معیار پیچیدگی حسابرسی می‌باشند، در این مدل در نظر گرفته شده‌اند، چرا که انتظار می‌رود تلاش حسابرس با افزایش اندازه‌ی شرکت و پیچیدگی عملیات صاحبکار افزایش پیدا کند (خان و سوبرامانیام، ۲۰۱۲).

- Ahmed & Goyal

- Beattie, Goodacre, Pratt & Stevenson

- Johnson & Lys

۵-۶) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش مورد استفاده در این پژوهش برای آزمون فرضیات اول و دوم، پدل معمولی است که در آن، از آزمون دوربین-واتسون جهت تشخیص خود همبستگی مدل استفاده شده است. علاوه بر این، از آزمون فیشر جهت بررسی معناداری کل مدل استفاده شده است. همچنین به منظور تعیین مدل مناسب برای برآورد و تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته ابتدا آزمون‌های تشخیصی چاو و هاسمن انجام خواهد شد. از آزمون چاو برای تعیین مدل داده‌های تلفیقی در برابر مدل اثرات ثابت و از آزمون هاسمن برای تعیین مدل اثرات ثابت در برابر مدل تصادفی استفاده می‌شود. پس از تعیین مدل مناسب برای برآورد پارامترها و تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تخمین‌های لازم برای آزمون فرضیه‌ها انجام می‌شود.

همچنین در این پژوهش از آنجا که متغیر وابسته مدل اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی، یعنی اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی دووجهی است، بهترین مدل برای انعکاس چنین تصمیمی مدل رگرسیون لجیت است (گجراتی، ۱۳۸۵). نتایج حاصل از برآورد الگوی لجیت و پروبیت تقریباً شبیه برآورد الگوهای رگرسیون خطی می‌باشد. در این الگوها، بجای مقدار t محاسبه شده، Z محاسبه شده گزارش می‌شود. در این الگوها، لگاریتم درست‌نمایی نامقید^{۳۸} و لگاریتم درست‌نمایی مقید^{۳۹} گزارش می‌شود که از آنها برای محاسبه‌ی آماره‌ی نسبت درست‌نمایی^{۴۰} و ضریب تشخیص مک-فادن^{۴۱} استفاده می‌شود. این دو شاخص به ترتیب برای بررسی اعتبار کل رگرسیون و قدرت توجیه رگرسیون بکار می‌روند، در واقع همانند آماره‌ی F و R^2 در رگرسیون‌های خطی بکار می‌روند (شیرین‌بخش و خوانساری، ۱۳۸۴).

همچنین در این پژوهش، با استفاده از آزمون لوین، لین و چو پایایی متغیرهای پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. در صورتی که متغیرهای پژوهش پایا نباشند؛ چه در مورد داده‌های سری زمانی و چه در داده‌های ترکیبی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب خواهد شد. نتایج نشان داد که تمامی متغیرهای پژوهش در سطح اطمینان ۹۹ درصد پایا هستند.

۶) یافته‌های پژوهش

۶-۱) آمار توصیفی

در نگاره‌ی شماره‌ی ۱ نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. متغیرهای اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی، کنترل خانوادگی و زیان، با توجه به اینکه اعداد صفر و یک را می‌پذیرند، آماره‌های توصیفی معناداری ندارند.

نگاره‌ی شماره‌ی ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای الگو

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
حق الزحمه‌ی حسابرسی	۵,۷۷۰۹	۵,۶۶۱۲	۸,۴۶۸۴	۲,۹۴۴۴	۰,۷۰۸۳
اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی	۰,۲۱۰۹	۰	۱	۰	۰,۴۰۸۳
کنترل خانوادگی	۰,۳۴۰۲	۰	۱	۰	۰,۴۷۴۱
مالکیت خانوادگی	۰,۴۶۲۸	۰,۴۷	۰,۹۲۳	۰,۰۷۱۵	۰,۲۰۲۹
مالکیت نهادی غیر خانوادگی	۰,۶۴۲۵	۰,۷۵۵۸	۱	۰	۰,۲۹۹۳
نسبت موجودی	۰,۲۵۴۹	۰,۲۳۷۸	۳,۰۳۲۴	۰	۰,۱۷۵۰
اهرم مالی	۰,۶۶۰۳	۰,۶۵۴۱	۷,۲۵۱۲	۰,۰۰۰۸	۰,۳۲۴۶
نسبت سودآوری	۰,۱۰۴۳	۰,۰۹۰۲	۱,۲۳۲	-۰,۴۰۳۱	۰,۱۲۸۲
زیان	۰,۱۰۴	۰	۱	۰	۰,۳۰۵۵
نسبت مطالبات	۰,۲۷۰۶	۰,۲۷۵۸	۰,۸۳۱۹	۰	۰,۱۶۳۷

- Log Likelihood
- Rester. Log Likelihood
- LR Statistic
- Mc Fadden R-Squared

اندازه‌ی شرکت	۱۲,۸۶۷	۱۲,۸۰۴۵	۱۷,۹۷۷۶	۹,۷۹۵۲	۱,۲۵۲۶
---------------	--------	---------	---------	--------	--------

* منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده از آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و این‌که میانگین و میانه در بیشتر متغیرهای پژوهش نزدیک به هم هستند، می‌توان بیان کرد، کلیه متغیرها از توزیع مناسبی برخوردار هستند.

۲-۶) آمار استنباطی

۱-۲-۶) برازش مدل حق‌الزحمه‌ی حسابرسی

قبل از تخمین این مدل لازم است تا ابتدا آزمون‌های تشخیصی چاو و هاسمن استفاده شود. نتایج F لیمر و همچنین آزمون هاسمن نشان داد که برای تخمین متغیرهای این مدل، روش بهینه، داده‌های تابلویی با اثرات ثابت است. نتایج تخمین این مدل در نگاره‌ی شماره‌ی ۲ با روش اثرات ثابت نشان داده شده است.

نگاره‌ی شماره‌ی ۲: نتایج حاصل از برآورد مدل حق‌الزحمه‌ی حسابرسی

مدل حق‌الزحمه‌ی حسابرسی (فرضیه‌ی دوم)			مدل حق‌الزحمه‌ی حسابرسی (فرضیه‌ی اول)			
متغیر	ضریب متغیر	آماره‌ی t	سطح خطا	ضریب متغیر	آماره‌ی t	سطح خطا
عرض از مبداء	۰,۲۶۸۷	۰,۸۰۵۶	۰,۴۲۱	۰,۲۶۸۷	۰,۸۰۵۶	۰,۰۰۰
کنترل خانوادگی	۰,۰۰۸۷	۰,۰۳۲۶	۰,۹۷۴	۰,۰۰۸۷	۰,۰۳۲۶	-
درصد مالکیت خانوادگی	-	-	-	-	-	۰,۱۶۸۲
اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی	۰,۱۸۳	۳,۴۰۲۷	۰,۰۰۰۷	۰,۱۸۳	۳,۴۰۲۷	۰,۲۲۴۴
نسبت موجودی	۰,۵۰۶۳	۰,۱۳۶۳	۰,۰۰۰۲	۰,۵۰۶۳	۰,۱۳۶۳	۰,۰۲۸۹
اهرم مالی	-۰,۱۱۷۷	-۱,۲۲۶۹	۰,۲۲۰۷	-۰,۱۱۷۷	-۱,۲۲۶۹	۰,۰۶۵۶
زیان	۰,۱۶۶۴	۳,۲۱۹۷	۰,۰۰۱۴	۰,۱۶۶۴	۳,۲۱۹۷	۰,۰۹۱
مالکیت نهادی غیر خانوادگی	۰,۶۰۲۱	۳,۵۹۷۱	۰,۰۰۰۴	۰,۶۰۲۱	۳,۵۹۷۱	۰,۱۸۰۶
نسبت مطالبات	۰,۳۸۰۹	۳,۶۱۲۵	۰,۰۰۰۳	۰,۳۸۰۹	۳,۶۱۲۵	۰,۵۹۹۴
اندازه‌ی شرکت	۰,۳۷۷۹	۱۸,۶۱۰۲	۰,۰۰۰	۰,۳۷۷۹	۱۸,۶۱۰۲	۰,۰۷۶۸
آماره‌های موزون ^{۴۲} برآورد مدل حق‌الزحمه‌ی حسابرسی						
احتمال آماره‌ی F	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰		۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	
آماره‌ی F	۳۸,۷۱۳۳	۳۸,۷۱۳۳		۳۸,۷۱۳۳	۳۸,۷۱۳۳	
ضریب تعیین	۰,۹۰۶۵	۰,۹۰۶۵		۰,۹۰۶۵	۰,۹۰۶۵	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۸۸۳۱	۰,۸۸۳۱		۰,۸۸۳۱	۰,۸۸۳۱	
آماره‌ی دوربین واتسون	۱,۵۹۲۹	۱,۵۹۲۹		۱,۵۹۲۹	۱,۵۹۲۹	

* منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره‌ی شماره‌ی ۲ و با توجه به آماره‌ی F بدست آمده برای مدل حق‌الزحمه‌ی حسابرسی (فرضیه‌ی اول)، که برابر با ۳۸,۷۱۳۳ و سطح خطای مربوط به آن که برابر با ۰/۰۰۰ است، می‌توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بیشتری برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای این الگو که برابر ۸۸,۳ درصد است، می‌توان ادعا کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۸۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. همچنین، با توجه مقدار آماره‌ی دوربین واتسون برای این الگو که برابر با ۱,۵۹۲۹ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه‌ی اول میان باقیمانده‌های الگو وجود ندارد. همچنین

با توجه به نتایج قابل مشاهده در همین نگاره برای مدل حق‌الزحمه‌ی حسابرسی (فرضیه‌ی دوم)، آماره‌ی F بدست آمده برای این مدل برابر با ۳,۹۴۵۱ و سطح خطای مربوط به آن ۰,۰۰۰۰ می‌باشد که حاکی از معنادار بودن الگوی پژوهش در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده این مدل برابر با ۰,۴۹۵۳ و آماره‌ی دوربین واتسون آن ۱,۷۱۹۸ می‌باشد.

۲-۲-۶) برازش مدل اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی

در نگاره‌ی شماره‌ی ۳ نتایج تخمین الگوهای مربوط به فرضیه‌ی سوم و چهارم نشان داده شده است.

نگاره‌ی شماره‌ی ۳: نتایج حاصل از برآورد مدل اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی

مدل اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی (فرضیه‌ی چهارم)			مدل اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی (فرضیه‌ی سوم)			
سطح خطا	آماره‌ی Z	ضریب متغیر	سطح خطا	آماره‌ی Z	ضریب متغیر	متغیر
۰,۱۰۸۳	-۱,۶۰۶	-۲۶,۹۹۴۷	۰,۰۰۰۲	-۳,۷۴۰۶	-۶,۵۹۶۶	عرض از مبدا
-	-	-	۰,۰۰۰	-۶,۳۸۳۲	-۲,۹۱۳۱	کنترل خانوادگی
۰,۰۱۱۳	-۲,۵۳۲۴	-۲۶,۹۰۸۴	-	-	-	درصد مالکیت خانوادگی
۰,۰۰۴۶	-۲,۸۳۶۹	-۴۲,۹۵۱۴	۰,۰۸۴۸	۱,۷۲۳۵	۱,۴۹۷۸	نسبت موجودی
۰,۰۰۱۲	-۳,۱۰۷۸	-۲۷,۱۸۲۵	۰,۱۷۹۸	-۱,۳۴۱۲	-۰,۴۹۹۷	اهرم مالی
۰,۰۰۱	۳,۲۹۳۶	۲۷,۸۹۵	۰,۹۷۸۹	-۰,۰۲۶۴	-۰,۰۲۱۴	نسبت سودآوری
۰,۰۰۱۹	-۳,۱۰۷۸	-۶۲,۰۵۸۹	۰,۰۲۰۵	-۲,۳۱۷۳	-۱,۶۹۴۴	مالکیت نهادی غیر خانوادگی
۰,۰۰۲۸	۲,۹۹۱	۵,۳۰۳	۰,۰۰۰۰	۴,۲۲۶۸	۰,۴۸۷۹	اندازه‌ی شرکت
-	-	-	۰,۰۰۰۸	۳,۳۳۹۸	۲,۳۵۴	نسبت مطالبات
۰,۰۰۰۰			۰,۰۰۰۰			احتمال آماره‌ی LR
۵۶,۲۳۵۹			۱۱۰,۹۶۸۲			آماره‌ی LR
۰,۸۴۱۲			۰,۱۶۶۸۹			ضریب تشخیص McFadden
-۳۳,۴۲۳۸			-۳۳۲,۴۵۷۵			لگاریتم درست‌نمایی مقید
-۵,۳۰۵۹			-۲۷۶,۹۷۳۴			لگاریتم درست‌نمایی نامقید

* منبع: یافته‌های پژوهش

نگاره‌ی شماره‌ی ۳، نتایج حاصل از برآورد مدل لاجیت را نشان می‌دهد. در رگرسیون لاجیت، برای بررسی نکویی برازش، از دو معیار استفاده می‌شود که مهمترین آنها LR است. این معیار مانند آماره‌ی F در رگرسیون معمولی عمل می‌کند. مقدار این آماره برابر با ۱۱۰,۹۶۸۲ بوده و احتمال مربوط به آن صفر است. بنابراین فرض عدم معناداری مدل رد می‌شود و مدل معنادار و قابل اعتماد است. معیار دیگری که برای ارزیابی به کار می‌رود، لگاریتم درست‌نمایی نامقید است که بر اساس نتایج مدل، معنادار و قابل اعتماد است. سطح خطای این مدل صفر و معیار مک فادن ۱۶,۶ درصد است. معیار مک فادن جایگزین ضریب تعیین در رگرسیون چند متغیره است. بنابراین نشان‌دهنده‌ی این است که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش، بیش از ۱۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. همچنین با توجه به این نگاره و مدل اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی (فرضیه‌ی چهارم)، سطح خطای این مدل ۰,۰۰۰ و آماره‌ی LR آن ۵۶,۲۳۵۹ است که حاکی از معنادار بودن این مدل است. همچنین معیار مک‌فادن حدود ۸۴ درصد است که نشان‌دهنده‌ی این است که بیش از ۸۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله‌ی متغیر مستقل و متغیرهای کنترل توضیح داده می‌شود.

در ادامه به بررسی نتایج بدست آمده مربوط به فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است.

آزمون فرضیه‌ی اول

در این فرضیه، حق الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی با هم مقایسه شده است. با توجه به نگراره‌ی شماره‌ی ۲ و مدل حق الزحمه‌ی حسابرسی (فرضیه‌ی اول)، سطح خطای مربوط به متغیر کنترل خانوادگی برابر با ۰,۹۷۴ و ضریب آن ۰,۰۰۸۷ می‌باشد که نشان‌دهنده‌ی عدم ارتباط معنادار بین متغیرهای حق الزحمه‌ی حسابرسی و کنترل خانوادگی است، یعنی فرضیه‌ی اول در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود. همانطور که در مبانی نظری پژوهش گفته شد، دو دیدگاه در خصوص تاثیر کنترل خانوادگی بر حق الزحمه‌ی حسابرسی وجود دارد. نتایج این فرضیه منطبق با پژوهش‌های پیشین نیست. اکثریت پژوهش‌های پیشین رابطه‌ی منفی بین حق الزحمه‌ی حسابرسی و کنترل خانوادگی گزارش کردند (گول و همکاران، ۱۹۹۷؛ هو و کنگ، ۲۰۱۰؛ شا، ۲۰۱۰؛ جول و خان، ۲۰۱۱؛ رحمان خان و همکاران، ۲۰۱۱؛ کنگ، ۲۰۱۲). طبق نتایج خان و سوبرامانیام (۲۰۱۲)، شرکت‌های خانوادگی استرالیایی حق الزحمه‌ی حسابرسی بیشتری نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی می‌پردازند. نتایج این فرضیه نشان داد که شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی متحمل سطح یکسانی از حق الزحمه‌ی حسابرسی می‌شوند. ضرایب معنادار متغیرهای کنترل نشان می‌دهد که حق الزحمه‌ی حسابرسی یک شرکت به فاکتورهای دیگری نیز بستگی دارد، به ویژه ضریب مثبت اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی نشان می‌دهد که موسسه‌های بزرگ حسابرسی، حق الزحمه‌ی بیشتری دریافت می‌کنند (فرث^{۴۳}، ۱۹۹۷؛ بیٹی و همکاران، ۲۰۰۱). ضریب معنادار و مثبت متغیر مالکیت نهادی غیرخانوادگی بر این اشاره دارد که حضور سهامداران نهادی موجب می‌شود که شرکت‌ها به دنبال خدمات حسابرسی با کیفیت بالا باشند. در پاسخ به این تقاضای صاحبکاران، حسابرسان تلاش‌های کاری خود را افزایش می‌دهند که نتیجه‌ی آن، حق الزحمه‌ی حسابرسی بیشتر است. ضریب مثبت اندازه‌ی شرکت نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگتر، متحمل حق الزحمه‌ی بیشتری نسبت به شرکت‌های کوچکتر می‌شوند (سیمونیک^{۴۴}، ۱۹۸۰). ضرایب مثبت متغیرهای نسبت مطالبات و نسبت موجودی بزرگتر، نیاز به کار حسابرسی بیشتری دارند و متحمل حق الزحمه‌ی حسابرسی بیشتری می‌شوند.

آزمون فرضیه‌ی دوم

این فرضیه حق الزحمه‌ی حسابرسی را در شرکت‌های خانوادگی بررسی می‌کند. با توجه به سطح خطای مربوط به متغیر مالکیت خانوادگی (۰,۱۶۸۲) و ضریب آن (۰,۴۱۸۸) در نگراره‌ی شماره ۲ و مدل حق الزحمه‌ی حسابرسی (فرضیه‌ی دوم)، فرضیه‌ی دوم در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود، یعنی بین درصد مالکیت خانوادگی با حق الزحمه‌ی حسابرسی، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. خان و سوبرامانیام در پژوهش خود نشان دادند که در شرکت‌های خانوادگی، با افزایش درصد مالکیت خانوادگی، حق الزحمه‌ی حسابرسی افزایش می‌یابد.

آزمون فرضیه‌ی سوم

در این فرضیه، اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی با هم مقایسه شده است. برای بررسی این فرضیه، از آماره‌ی Z و مقدار معناداری مربوط به این آماره استفاده شده است. همانطور که در نگراره‌ی شماره‌ی ۳ و مدل اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی (فرضیه‌ی سوم) مشاهده می‌شود، سطح خطای متغیر کنترل خانوادگی ۰,۰۰۰ و ضریب آن ۲,۹۱۳۱- می‌باشد. آماره‌ی Z مربوط به این متغیر (۶,۳۸۳۲-) نشان‌دهنده‌ی معنادار بودن ضریب این متغیر است. در نتیجه فرضیه سوم در سطح خطای ۵ درصد تایید می‌شود. این بدان معنی است که متغیر کنترل خانوادگی دارای ارتباط معنادار و معکوس با متغیر اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی است، یعنی شرکت‌های خانوادگی کمتر از سازمان حسابرسی به عنوان حسابرس مستقل استفاده می‌کنند، به عبارت دیگر شرکت‌های خانوادگی به دنبال کیفیت بالای حسابرسی نیستند. این مسئله ممکن است ناشی از مشکلات نمایندگی پایین بین مالکان و مدیران در شرکت‌های خانوادگی باشد. همانطور که در مبانی نظری پژوهش بیان شد، دو دیدگاه در خصوص تاثیر کنترل خانوادگی بر اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی وجود دارد که نتایج این فرضیه منطبق با دیدگاه اول است. این نتیجه موافق با نتایج هو و کنگ (۲۰۱۰)، خان و سوبرامانیام (۲۰۱۲) و میثودی و همکاران (۲۰۱۱) است. نتایج این فرضیه نشان می‌دهد که شرکت‌های خانوادگی کمتر بدنبال کیفیت حسابرسی هستند که

این مخالف با نتایج فن و ونگ (۲۰۰۵)، در محیط اقتصادی شرق آسیا می‌باشد. ضرایب معنادار آماری برای متغیرهای کنترل نشان می‌دهد که انتخاب حسابرس شرکت همچنین مرتبط با فاکتورهای دیگر است. به ویژه ضریب متغیر مالکیت نهادی غیرخانوادگی که معنادار و منفی می‌باشد که این بیانگر این است که شرکت‌ها با درصد بالای مالکیت نهادی غیرخانوادگی، به احتمال کمتری به دنبال کیفیت حسابرسی از طریق موسسه‌های بزرگ حسابرسی هستند. ضرایب معنادار و مثبت متغیرهای اندازه‌ی شرکت و نسبت مطالبات که معیارهایی برای پیچیدگی کار حسابرسی هستند، نشان می‌دهد که شرکت‌ها با پیچیدگی بیشتر کار حسابرسی، به احتمال بیشتری از موسسه‌های بزرگ حسابرسی استفاده می‌کنند.

آزمون فرضیه‌ی چهارم

این فرضیه اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی را در شرکت‌های خانوادگی بررسی می‌کند. سطح خطای ضریب متغیر درصد مالکیت خانوادگی (۰,۰۱۱۳) و ضریب مربوط به آن (-۲۶,۹۰۸۴) در مدل اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی (فرضیه‌ی چهارم) نشان می‌دهد که متغیر اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی دارای ارتباط معنادار و معکوس با متغیر درصد مالکیت خانوادگی است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد این فرضیه تایید می‌شود. این به این معنی است که در شرکت‌های خانوادگی با افزایش درصد مالکیت خانوادگی، احتمال انتخاب سازمان حسابرسی، کاهش می‌یابد. این نتیجه موافق با نتایج نیسکانن و همکاران (۲۰۱۰) و همچنین مخالف با نتیجه‌ی خان و سوبرامانیام (۲۰۱۲) می‌باشد.

۷ نتیجه‌گیری

در این پژوهش رابطه‌ی بین کنترل و مالکیت خانوادگی با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی بررسی شد. مطالعات قبلی پیرو کنترل خانوادگی بیان کرده‌اند که شرکت‌های خانوادگی می‌توانند مشکلات نمایندگی را کاهش و یا افزایش دهند. از یک طرف شرکت‌های خانوادگی می‌توانند کارایی کمتری داشته باشند، زیرا تملک ثروت را از دست سهامداران دیگر خارج می‌کنند (مورک و همکاران، ۱۹۸۸؛ شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷). این گونه شرکت‌ها ممکن است مانع از انتقال جریان اطلاعات حسابداری به سهامدارانی که ممکن است بر ارزیابی ریسک کلی حسابرسان اثر بگذارند، شوند. همچنین بیان شده است که شرکت‌های خانوادگی به احتمال زیادی از سازمان‌های بزرگ حسابرسی برای اطمینان از کیفیت حسابرسی و کاهش هزینه‌های نمایندگی استفاده می‌کنند. از طرف دیگر شرکت‌های خانوادگی می‌توانند کارآتر از شرکت‌های دیگر باشند برای اینکه در این شرکت‌ها، مالکان خانوادگی با سهامداران دیگر در یک مسیر هستند (اندرسون و ریب، ۲۰۰۳) و به احتمال کمتری بر فرآیند گزارشگری مالی اثر می‌گذارند. چنین شرایطی ممکن است به طور کلی ریسک ارزیابی شده توسط حسابرسان و همچنین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی را کاهش دهد. این همچنین حاکی از این است که شرکت‌های خانوادگی به احتمال کمتری از سازمان‌های بزرگ حسابرسی استفاده می‌کنند، زمانی که اعضای خانواده یک نظارت با کیفیت فراهم می‌کنند.

نتایج این پژوهش نشان داد که تفاوتی در حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بین شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی وجود ندارد. همچنین بین درصد مالکیت خانوادگی با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی ارتباط معناداری مشاهده نشد. با توجه به نتایج این پژوهش می‌توانیم استدلال کنیم که هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی ایران یکسان است. یکی از دلایل عدم تفاوت حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی در ایران، متفاوت بودن محیط نظارتی، تقاضا برای خدمات حسابرسی، مراحل رشد اقتصادی و ... در کشور ما نسبت به کشورهای توسعه یافته می‌باشد. علاوه بر این، در ایران، متأسفانه به دلیل کیفیت پایین اطلاعات افشا شده در مورد ماهیت و مالکیت شرکت‌ها، تشخیص و تفکیک درست شرکت‌های خانوادگی مشکل می‌باشد. این می‌تواند بر نتایج اثر بگذارد.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی، شرکت‌های خانوادگی به احتمال کمتری، سازمان حسابرسی را به عنوان حسابرس مستقل استفاده می‌کنند، به عبارت دیگر این شرکت‌ها، تقاضای پایین‌تری برای کیفیت حسابرسی دارند. نتایج همچنین نشان داد که در شرکت‌های خانوادگی با افزایش درصد مالکیت خانوادگی، احتمال به کارگیری سازمان حسابرسی کاهش می‌یابد،

نتایج این پژوهش با استفاده از داده‌های مالی در شرایط محیطی کشور ایران بیان شده که متفاوت از ویژگی‌ها و شرایط سهامداران نهادی در کشورهای توسعه یافته است.

۸) محدودیت‌های پژوهش

- محدودیت‌هایی در انجام این پژوهش وجود داشت که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است:
- در مقایسه‌ی سازمان حسابرسی و موسسه‌های حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی، دولتی بودن سازمان حسابرسی، عاملی مزاحم در بررسی اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی است.
 - عدم افشا و یا عدم افشای صحیح و کامل سهامداران عمده‌ی شرکت‌های بورسی، یکی از محدودیت‌های مهم در شناسایی شرکت‌های خانوادگی است.

۹) پیشنهادهای برای تحقیقات آتی

- با انجام هر پژوهش، راه به سوی مسیری جدید باز می‌شود و ادامه‌ی راه مستلزم انجام پژوهش‌های دیگری است. بنابراین، انجام پژوهش‌هایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:
- بررسی تاثیر تعاریف مختلف شرکت‌های خانوادگی بر روی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و انتخاب حسابرس.
 - بررسی سایر معیارهای کیفیت حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.
 - بررسی هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های خانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.
 - بررسی محافظه‌کاری در شرکت‌های خانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

۱۰) منابع

۱۰-۱) فارسی

- حساس یگانه، یحیی و آذین‌فر، کاوه. (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه‌ی حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۱، ۹۸-۸۵.
- رحیمیان، نظام‌الدین؛ رضاپور، نرگس و اخضری، حسین. (۱۳۹۰). نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۴۵*.
- سجادی، سیدحسین؛ حاجی‌زاده، سعید و نیک‌کار، جواد. (۱۳۹۱). تاثیر هزینه‌های نمایندگی و کیفیت گزارشگری مالی بر ریسک سرمایه‌گذاری شرکت‌های بورسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۳، ۴۲-۲۱*
- شیرین بخش، شمس اله و حسن خوانساری، زهرا. (۱۳۸۴). کاربرد *Eviews در اقتصاد سنجی*، تهران، انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۸۶). *استانداردهای حسابداری*، تهران، سازمان حسابرسی.
- گجراتی، دامودار. (۱۳۸۵). *مبانی اقتصاد سنجی*، ترجمه‌ی حمید ابریشمی، ج اول، تهران، دانشگاه تهران.
- نمازی، محمد و اکبری، جلال. (۱۳۹۰). بررسی عملکرد و ساختار سرمایه شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- نمازی، محمد و محمدی، محمد. (۱۳۸۹). بررسی کیفیت سود و بازده شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *پیشرفت‌های حسابداری*، شماره دوم، ۱۹۴-۱۵۹.
- مقیم، محمد و سید امیری، نادر. (۱۳۸۹). عوامل موثر بر رشد و توسعه شرکت‌های خانوادگی استان تهران: پژوهشی در دو صنعت نساجی و نفت. *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، سال پنجم، شماره ۱۸، ۹۵-۷۷.

۱۰-۲) انگلیسی

- Abdel-Khalik, A.R. (1993). Why do private companies demand auditing: A case for organizational loss of control. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 8, 31-52.
- Ahmed, K and Goyal. M. (2005). The Pricing of Audit Services in Emerging Economies. *International Journal of Auditing*, 9(2), 103-116.
- Anderson, R. C., and Reeb D. M. (2003). Founding-family ownership and firm performance: Evidence from the S&P 500. *The Journal of Finance*, 58(3), 1301-1328.
- Beattie, V., Goodacre, A., Pratt, K. and Stevenson, J. (2001). The determinants of audit fees: Evidence from the voluntary sector, *Accounting and Business Research*, 31, 243-274.
- Carey, P., Simnett, R. and Tanewski, G. (2000). Voluntary Demand for Internal and External Auditing by Family Businesses. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 19, 37-51.
- Chakrabarty, S. (2009). The Influence of National Culture and Institutional Voids on Family Ownership of Large Firms: A Country Level Empirical Study. *Journal of International Management*, 15, 1-31.
- Chan, P., Ezzamel, M. and Gwilliam, D. (1993). Determinants of audit fees for quoted UK companies. *Journal of Business Finance and Accounting*, 20, 765-786.
- Chrisman, J. J., Chua, J. H., and Litz, R. A. (2004). Comparing the agency costs of family and non-family firms: Conceptual issues and exploratory evidence. *Entrepreneurship: Theory & Practice*, 28, 335-354.
- Chua, J. H., Chrisman, J. J., & Sharma, P. (1999). Defining the family business by behavior. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 23(4), 19-39.
- Craswell, A. T, Francis, J. R. and Taylor, S. L (1995). Auditor brand name reputations and industry specializations. *Journal of Accounting and Economics*, 20, 297-322.
- DeAngelo, L. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 13, 183-189.
- Demsetz, H. and Lehn, K. (1985). The structure of corporate ownership: Causes and consequences. *Journal of Political Economy*, 93, 1155-1177.
- Ehrhardt, Olaf and Nowak, Eric (2003). The Effect of IPOs on German Family-owned Firms: Governance Changes, Ownership Structure and Performance. *Journal of Small Business Management*, 41: 222-232.
- Fan, J. P. H., and Wong, T. J. (2005). Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets?. Evidence from East Asia. *Journal of Accounting Research*, 42(1): 35-72.

- Fan, J. P. H., and Wong, T. J. (۲۰۰۵). Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets?. Evidence from East Asia. *Journal of Accounting Research*, ۴۲(۱), ۳۵-۷۲.
- Firth, M. (۱۹۹۷). The provision of non-audit services and the pricing of audit fees. *Journal of Business Finance and Accounting*, ۲۴, ۵۱۱-۵۲۵.
- Francis, J. R. (۲۰۰۴). What do we know about audit quality?. *The British Accounting Review*, ۳۶(۴): ۳۴۵-۳۶۸.
- Gersick, K. E., Davis, J. A., McCollom, H. M., & Lansberg, I. (۱۹۹۷). *Generation to generation: Life cycles of the family business*. Boston:Harvard Business School Press.
- Ghabdian, B., Attaran, N. & Froutan, O. (۲۰۱۲). Ownership Structure and Earnings Management: Evidence from Iran. *International Journal of Business and Management*, ۷(۱۵), ۸۸-۹۷.
- Ghoul, S. E., Guedhami, O., Lennox, C., and Pittman, J. (۲۰۰۹). External versus internal monitoring: Do Western European firms rely more on Big Four audits in the absence of multiple large shareholders and families?. On line, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۱۳۷۳۸۰۸>.
- Gomez-Mejia, L., Nunez-Nickel, M. and Gutierrez, I. (۲۰۰۱). The role of family ties in agency contracts. *Academy of Management Journal*, ۴۴, ۸۱-۹۵.
- Guedhami, O., Pittman, J. A., and Saffar, W. (۲۰۰۹). Auditor choice in privatized firms: Empirical evidence on the role of state and foreign owners, *Journal of Accounting and Economics*, ۴۸(September), ۱۵۱-۱۷۱.
- Gul, F.A., Tsui, J. and Chen, C.J.P. (۱۹۹۷). Agency Costs and Audit Pricing: Evidence on Discretionary Accruals. Working Paper, City University of Hong Kong, On line, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۶۲۷۵>.
- Ho J. L. Y. & Kang F. (۲۰۱۰). *Auditor Choice and Audit Fees in Family Firms: Evidence from the S&P ۱۵۰۰*, The Paul Merage School of Business, University of California.
- Johl S. & Khan A. (۲۰۱۱). *Audit Pricing In Private Firms: The Effects Of Family And Foreign Control*, School of Accounting Economics and Finance, Deakin University, Victoria, Australia, On line, Available at: <http://www.afaanz.org>
- Johnson, B. W., & Lys, T. (۱۹۹۰). The market for audit services: Evidence from voluntary auditor changes. *Journal of Accounting and Economics*, ۱۲, ۲۸۱-۳۰۸.
- Kang, F. (۲۰۱۲). *Industry Specialist Auditors and Audit Fees in Family Firms: Evidence from the S&P ۱۵۰۰*, University of California, Irvine.
- Khan A. & Subramaniam N. (۲۰۱۲). Family firm, audit fee and auditor choice: Australian evidence. *Financial Markets & Corporate Governance Conference*, On line, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۱۹۸۵۷۷۶>.

- Mithu, Dey; Chun Keung (Stan), Hoi and Ashok, Robin. (۲۰۱۱). Family Firms and Auditor Choice: A Focus on IPO firms. *Midwest Finance Association ۲۰۱۲ Annual Meetings Paper*, On line, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۱۹۲۳۲۲۲>.
- Morck, R., and Yeung, B. (۲۰۰۳). Agency problems in large family business groups. *Entrepreneurship: Theory & Practice*, ۲۷, ۳۶۷-۳۸۲.
- Morck, R., Shleifer, H., and Vishny, R. (۱۹۸۸). Management ownership and market valuation: An empirical analysis. *Journal of Financial Economics*, ۲۰, ۲۹۳-۳۱۵.
- Niskanen, M., J. Karjalainen, and J. Niskanen. (۲۰۱۰). The role of auditing in small, private family firms: Is it about quality and credibility?. *Family Business Review*, ۲۳, ۲۳۰-۲۴۵.
- Rahman khan, A.; Mahboob Hossain, D. & Siddiqui, j. (۲۰۱۱). Corporate ownership concentration and audit fees: The case of an emerging economy. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, ۲۷, ۱۲۵-۱۳۱.
- Shaohua, H. (۲۰۱۰). *Auditor Choice, Audit Fees And Internal Governance In Family Firms*. Theses & Dissertations. Lingnan University, online, Available at: http://commons.ln.edu.hk/fin_etd/۳
- Shleifer Andrei & Vishny Robert W. (۱۹۹۷). A Survey of Corporate Governance. *The Journal of Finance*, ۵۲(۲).
- Simunic, D. (۱۹۸۰). the pricing of audit services: theory and evidence. *Journal of Accounting Research*, ۱۸, ۱۶۱-۱۹.
- Teoh, S. and Wong T. (۱۹۹۳). Perceived auditor quality and the earnings response coefficient. *The Accounting Review*, ۶۸(۲), ۳۴۶-۳۶۶.
- Villalonga, Belen and Raphael Amit. (۲۰۰۶). How Do Family Ownership, Control and Managmen Affect Firm Value?. *Journal of Finance Economics*, ۸۰, ۳۸۵-۴۱۷.
- Wang Dechun. (۲۰۰۶). Founding Family Ownership and Earnings Quality. *Journal of Accounting Research*, ۴۴, ۳.

Investigation of Variables of Audit Fees and Audit Firm Size in Family Firms Accepted in Tehran Stock Exchange

Seyyed Ali Vaez

Assistant Professor of the Department of Accounting at Shahid Chamran University

Babak Abedi Sedghiani

Instructor of Accounting at Shahid Chamran University

Vahid Khajooei

Accounting M.A student at Shahid Chamran University

Abstract

The main objective of this study is to evaluate the audit fees and audit firm size in family firms accepted in Tehran Stock Exchange. The investigated year period was ۱۳۸۴ to ۱۳۹۰ and the selected sample consisted of ۳۵ family firms and ۶۴ non-family firms. To test the hypothesis, panel data and panel logit methods are used. The results showed that there is no significant difference in the amount of audit fees between family and nonfamily firms. Also, no significant relationship was seen between the percentage of family ownership and audit fees. However, the results showed that family firms make use of Audit Organization to a less probability than the nonfamily firms. Also the results stated that in family firms, as the percentage of family ownership increases, the probability to select the Audit Organization decreases.

Key words: Family Firms, Audit Fees, Size of the Audit Firm.

